

مقدمه

طرح مبحث هویت و عوامل مؤثر در شکل‌گیری آن، از جمله نیازهای ضروری جامعه کنونی ماست. در جوامع غربی نیز ایجاد هویتی پایا و باثبات بسیار چالش‌برانگیز شده است. پیش از این، هنجارهای فرهنگی و اجتماعی به‌عنوان مرجع و راهنما برای پیشرفت افراد در نظر گرفته می‌شد، اما اکنون نوع دیگری از زندگی جایگزین شده است (Luyckx & et al, 2007, p. 149).

این یک واقعیت است که ساختار هویتی هر فرد از مذهب تأثیر می‌پذیرد. عقاید مذهبی، با معرفی هدف نهایی آفرینش و پاسخ به سؤالات وجودی فرد، نقش چشمگیری در تشکیل هویت ایفا می‌کند. محققان بسیاری بر این موضوع صحه گذاشته‌اند که معنویت و مذهب به‌طور نزدیکی با هویت پیوند یافته‌اند (Markstrom-Adams, & et al, 1994, p. 453-469; Maclean & et al, 2004, p. 429-437; Griffith & Griggs, 2001, p. 14-25; Watson & Morris, 2005, p. 371-379).

در دوره نوجوانی همزمان با سایر تغییر و تحولات بدنی و روانی، رشد و تحول مذهبی و معنوی نیز صورت می‌گیرد. این رشد و تحول ممکن است شامل تجارب دینی جدید، درکی تازه از باورها یا تجارب مذهبی قبلی، احساس معنا و هدف‌داری بیشتر در زندگی یا آگاهی افزون‌تر از نقش خداوند در زندگی روزمره شود (آذرایبجانی، ۱۳۸۵، ص ۲۸). تماس با ارزش‌های مذهبی در تشکیل شخصیت تأثیر بسیاری دارد و جوانان را وادار می‌کند که وجود خود را به‌منزله جزء و تابعی از جهان بزرگ بدانند (احمدی، ۱۳۷۵، ص ۶۱). مذهب؛ جهان‌بینی، هنجارهای اجتماعی و ارتباطات را ارائه می‌دهد و این امر تشکیل مفهوم خود شخصی جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد (king, 2003, p. 203). به اعتقاد برخی پژوهشگران، مذهب با تأثیر بر سبک زندگی و چگونگی حل تعارض‌های ارزشی، به دو سؤال اساسی انسان درباره هدف زندگی و معنای فعالیت‌ها و استعداد‌های او پاسخ می‌دهد (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶). مسلماً پیشرفت در عملکرد شناختی نوجوانان موجب می‌شود که آنها در جست‌وجوی فرصت‌هایی برای ایجاد معنا و چیزهای دیگر باشند. با شروع تفکر عملیاتی قراردادی، نوجوانان توانایی فکر کردن و استدلال انتزاعی پیدا می‌کنند. دین و معنویت فرصت‌های پرمعنایی را برای آنها فراهم می‌کند تا قدرت عقلانی جدیدشان را آزمایش نمایند و منتقدانه و مردد در مورد عقایدی که از قبل داشته‌اند، دلیل بیاورند (Markstrom-Adams, 1999, p. 217).

به عقیده برخی محققان، مذهب می‌تواند سبب اعتدال، بهبود رفتارهای عاطفی - اجتماعی و پرهیز از رفتارهای پرخطری شود که به‌طور مداوم او را برای آزمایشگری فراموشی خوانند (ر. ک: ناعمی، ۱۳۸۷).

نقش جهت‌گیری مذهبی در ساختار هویت فردی

نگه‌زرها بر جعلی * / زهره خسروی ** / مه‌سیما پورشهریاری ***

چکیده

مسئله تکوین هویت فردی از چالش‌های جدی جوامع امروزی است. در این میان، نقش مذهب در ساختار هویت هر فرد انکارناپذیر است. این پژوهش، با هدف بررسی رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و هویت فردی و تعیین نقش این عامل در پیش‌بینی هویت پایدار انجام گرفت. نمونه آماری شامل ۳۸۱ نفر (۱۳۳ پسر و ۲۴۸ دختر)، از بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب گردید. ابزار اندازه‌گیری، گزارش پرسش‌نامه خودشناسی براساس جهت‌گیری مذهبی اسلامی و پرسش‌نامه هویت شخصی بود. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که بین جهت‌گیری مذهبی با هویت فردی، رابطه‌ای معنادار و مثبت وجود دارد ($P < 0.005$). بر طبق نتایج این پژوهش، ۲۳/۹ درصد هویت فردی، براساس جهت‌گیری مذهبی قابل تبیین است. به‌گونه‌ای که هم زیرمقیاس اخلاق و هم زیرمقیاس عقاید و مناسک پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌داری در تعیین هویت فردی به‌شمار می‌آیند. علاوه بر این، نتایج حاصل تفاوت معناداری را در جهت‌گیری مذهبی و هویت فردی بین دختران و پسران نشان داد؛ دختران نمرات بالاتری را نسبت به پسران در مقیاس جهت‌گیری مذهبی داشتند. همچنین، دختران در مقایسه با پسران هویت فردی شکل‌یافته‌تری را نشان دادند. کلیدواژه‌ها: هویت فردی، جهت‌گیری مذهبی، اخلاق، عقاید و مناسک.

* کارشناس ارشد روان‌شناسی - مرکز مشاوره دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی

** دانشیار دانشگاه الزهراء

*** استادیار دانشگاه الزهراء

علاوه بر این، ثابت شده است که فعالیت‌های دینی بر رشد روانی - اجتماعی افراد همچون امیدواری، هدفمندی، تعهد، عشق و خودپنداره مثبت مؤثر است (Markstrom-Adams, 1999, p. 217). از سوی دیگر، استانلی هال معتقد است که نوجوان با گرایش به مذهب، می‌خواهد در بحران‌ها و کشمکش‌های روانی خود تخفیفی ایجاد کند (ناعمی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷).

مطالعات انجام‌گرفته در قلمرو مذهب و هویت در برخی موارد دارای نتایج متناقضی است؛ در مطالعه‌ای که پادرسون (۲۰۰۰) با تمرکز بر عامل معنویت مدل هویت فردی انجام داد، نشان داده شد که بین جهت‌گیری درونی مذهبی (تمایل به زندگی بر طبق عقاید مذهبی) و نمرات بالای عامل معنویت هویت فردی رابطه‌ای بسیار معنادار وجود دارد. این در حالی است که بین این عامل و جهت‌گیری بیرونی مذهبی (تمایل به استفاده از مذهب برای اهداف دیگر) رابطه معنادار کمی وجود داشت و بین عامل معنویت هویت فردی و جهت‌گیری جست‌وجوگرانه نیز رابطه معنادار کمی برقرار بود.

افزون بر این، یافته‌های هود و دیگران (۱۹۸۶) حاکی از آن بود که هیچ رابطه‌ای میان تعهد مذهبی و هویت فردی وجود ندارد. همچنین، فوستر و لافورس (۱۹۹۹) نیز دریافتند که هویت سردرگم (آشفته) معنی‌داری بالایی با دو جهت‌گیری درونی و بیرونی مذهبی نسبت به هویت اکتشافی و متعهدانه دارد.

در عین حال، مطالعات بسیاری، رابطه مثبت و معنادار میان احراز هویت و جهت‌گیری مذهبی را نشان داده‌اند (Watson & et al, 1998, p. 149-164; Watson & Morris, 2005, p. 371-379; Griffith & Griggs, 2004, p. 429-437; واتسون و دیگران (۱۹۸۹) بیان نمودند که جهت‌گیری جست‌وجوگرانه تعاملی می‌تواند به‌عنوان یک پیش‌آمد برای شکل‌گیری تعهد درونی باشد. این نوع جهت‌گیری جست‌وجوگرانه، انعکاسی از تلاش برای یافتن پاسخ به موضوعات هویتی است. پس از آن، واتسون و دیگران (۱۹۹۸) به رابطه میان جهت‌گیری مذهبی، هویت و جست‌وجوی معنا در اخلاق پرداختند. آنها نشان دادند که هویت متعهدانه همبستگی مثبت با جهت‌گیری مذهبی درونی دارد و همبستگی معکوس با جست‌وجوگری و جهت‌گیری بیرونی مذهبی دارد.

از این رو، پژوهش حاضر با هدف شناسایی میزان تأثیر جهت‌گیری مذهبی در شکل‌گیری ساختار هویت فردی، انجام گرفت. تا بدین وسیله، راهی برای فهم هرچه بیشتر ابعاد معنوی و مذهبی و نقش این ابعاد بر ساختار هویتی جوانان گشوده شود. این مقاله به این سؤالات پاسخ می‌دهد که آیا فرایند شکل‌گیری هویت، می‌تواند متأثر از جهت‌گیری مذهبی باشد، آیا بین جهت‌گیری مذهبی و هویت فردی رابطه معناداری برقرار است و آیا جهت‌گیری مذهبی، نقش تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی هویت پایدار دارد؟

روش پژوهش

جامعه پژوهشی دانشجویان بین سنین ۱۸-۲۵ سال می‌باشند. نمونه مورد مطالعه، براساس روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین دانشجویان دختر و پسر دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه، هنر و فنی و مهندسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران انتخاب شد. ابتدا از بین دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، که شامل دانشکده‌های فوق بودند، به‌صورت تصادفی دانشگاه تهران و دانشگاه شاهد انتخاب و سپس از هر چهار دانشکده این دانشگاه‌ها، دو رشته تحصیلی به‌صورت تصادفی انتخاب گردید. در هر رشته نیز یک کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شد. سعی بر آن بود تا از هر رشته تحصیلی، ۲۵ دانشجو در پژوهش شرکت نمایند. در نهایت، حجم نمونه شامل ۳۸۱ نفر (۱۳۳ مرد و ۲۴۸ زن) با میانگین سنی ۲۲ سال گردید.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه هویت شخصی: این پرسش‌نامه توسط احمدی (۱۳۷۵) براساس معیارهای تشخیصی DSM-IV ساخته شده است. این معیارها عبارت از اشکال در اهداف بلندمدت، تردید در انتخاب شغل، نداشتن الگوی مناسب برای رفاقت، نامناسب بودن رفتار جنسی، اشکال در شناخت و معرفت دینی، عدم توجه به ارزش‌های اخلاقی، رعایت نکردن تعهد گروهی، اختلال در تنظیم وقت، نداشتن الگوی مناسب برای تشکیل خانواده و نداشتن دید منفی نسبت به خود می‌باشد.

این پرسش‌نامه، ۱۰ گزینه‌ای دارای یک مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای است. این پرسش‌نامه نمره منفی ندارد و براساس آن، نمرات بالاتر از ۹ نشان‌دهنده عدم ثبات هویت فردی و وجود بحران هویت است. ضریب پایایی این پرسش‌نامه، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در بین نمونه‌ای از دانش‌آموزان شهر اصفهان ۰/۹۲ (احمدی، ۱۳۷۵) و در بین نمونه‌ای از دانش‌آموزان شهر یزد ۰/۸۳ (دهشیری، ۱۳۸۴) محاسبه شده است. در این پژوهش، ضریب پایایی آن ۰/۷۳ به‌دست آمد.

پرسش‌نامه خودشناسی براساس جهت‌گیری مذهبی اسلامی: این پرسش‌نامه توسط آذربایجانی (۱۳۸۵) با استفاده از آیات قرآن و متون روایی شیعه ساخته شده است. پرسش‌نامه حاوی ۷۰ سؤال است که دو زیرمقیاس اخلاق (۲۴ سؤال) و عقاید و مناسک (۴۶ سؤال) را دربردارد.

اعتبار محتوای این پرسش‌نامه توسط متخصصان و صاحب‌نظران علوم دینی و اعتبار سازه آن، از طریق گروه نمونه‌ای به حجم ۳۷۸ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران، دانشگاه آزاد تهران (واحد شمال) و طلاب حوزه علمیه قم مورد تأیید قرار گرفته است. ارزیابی محتوایی آن ۰/۷۷۵ و مقیاس عقاید و

مناسک با آلفای ۰/۹۴۷ و مقیاس اخلاق با آلفای ۰/۷۹۳ و در مجموع، جهت‌گیری مذهبی براساس اسلام با آلفای ۰/۹۳۶ به‌دست آمده است (ر. ک: آذربایجانی، ۱۳۸۵).

در این پژوهش، ضریب پایایی این پرسش‌نامه ۰/۹۵ (اخلاق با ضریب آلفا ۰/۷۴ و عقاید و مناسک با ضریب آلفا ۰/۹۶) محاسبه شد.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات کلی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد مطالعه، به تفکیک جنسیت در جدول ۱ نشان داده شده است. آمار موجود در این جدول، حاکی از این است که نمونه مورد مطالعه (n = ۳۸۱) متشکل از ۱۳۳ پسر (۰/۳۴/۹) و ۲۴۸ دختر (۰/۶۵/۱) می‌باشد. نسبت دو برابری تعداد دختران به پسران در نمونه، ناشی از شرایط انتخاب تصادفی رشته‌های مورد مطالعه است و شاید تا حدی ناشی از نسبت بیشتر دختران در دانشگاه‌ها باشد.

جدول ۱: توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک جنسیت

متغیر	جنسیت		دختر		پسر		جمع
	رشته تحصیلی	علوم پایه	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
رشته تحصیلی	علوم پایه	۲۴	۵۸	۲۳/۴	۸۲	۲۱/۵	۲۱/۵
	علوم انسانی	۳۲	۸۳	۳۳/۵	۱۱۵	۳۰/۲	۳۰/۲
	فنی-مهندسی	۴۴	۳۹	۱۵/۷	۸۳	۲۱/۸	۲۱/۸
	هنر	۳۳	۶۸	۲۷/۴	۱۰۱	۲۶/۵	۲۶/۵
	جمع	۱۳۳	۲۴۸	۶۵/۱	۳۸۱	۱۰۰	۱۰۰

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد، نسبت‌های تقریباً مشابهی از هر چهار رشته تحصیلی نمونه‌گیری شده است. بنابراین، با اطمینان بیشتری می‌توان دانشجویان رشته‌های متفاوت را در متغیرهای مورد مطالعه مقایسه نمود. به منظور بررسی وجود همبستگی میان جهت‌گیری مذهبی و هویت فردی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. جدول ۲ ضرایب همبستگی میان هویت فردی و جهت‌گیری مذهبی و خرده‌مقیاس‌های آن را نشان می‌دهد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی (پیرسون) میان هویت فردی و جهت‌گیری مذهبی و زیرمقیاس‌های آن

متغیر	جهت‌گیری مذهبی	اخلاق	عقاید و مناسک
هویت فردی	-۰/۴۱۲**	-۰/۴۶۱**	-۰/۳۳۹**

$$p < ۰/۰۰۰۵ **$$

از آنجاکه در مقیاس هویت به‌کار گرفته‌شده در این مطالعه، نمرات بالاتر نشان‌دهنده ناپایداری هویت فردی و وجود بحران هویتی است، رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و هویت فردی، به‌صورت رابطه‌ای منفی نمودار شده است (آزمون دو دامنه، $p < ۰/۰۰۰۵$ ، $r = -۰/۴۱۲$ ، $n = ۳۸۱$). بر این اساس، بین جهت‌گیری مذهبی و هویت ناپایدار همبستگی معنی‌دار منفی وجود دارد. به‌عبارت دیگر، گرایش بیشتر

فرد به مذهب با هویت فردی شکل‌یافته‌تر و پایدارتر همراه است. برای تعیین سهم مقیاس‌های جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی نمرات هویت فردی، از رگرسیون چندمتغیری استفاده شد. جدول ۳ نتایج حاصل را نشان می‌دهد.

جدول ۳: میزان آر و مجذور آر زیر مقیاس‌های جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی هویت فردی

مدل	R	R ²	R ² تنظیم شده
۱	۰/۴۹۳	۰/۲۴۳	۰/۲۳۹

در جدول ۳، مقدار مجذور R تنظیم شده نشان می‌دهد که مدل مورد استفاده ۲۳/۹ درصد واریانس نمرات هویت فردی تبیین می‌کند. برای بررسی معنی‌داری مدل تحلیل واریانس انجام گرفت. جدول ۴ نتایج آن را نشان می‌دهد.

جدول ۴: تحلیل واریانس زیر مقیاس‌های جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی هویت فردی

مدل	مجموع مجذورات	df	میانگین مجذورات	F	Sig.
۱	رگرسیون	۲	۶۷۲/۱۸۰	۶۰/۷۲۸	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۳۷۸	۱۱/۰۶۹		
	کل	۳۸۰	۵۵۲۸/۳۰۴		

جدول ۴ معنی‌داری مدل را نشان می‌دهد ($F = ۶۰/۷۲۸$ ، $p < ۰/۰۰۰۵$). جدول ۵ ضرایب بتای استاندارد شده برای ارزیابی سهم هر یک از زیرمقیاس‌های جهت‌گیری مذهبی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: رگرسیون چند متغیره همزمان زیر مقیاس‌های جهت‌گیری مذهبی در پیش‌بینی هویت فردی

مدل	متغیر	ضرایب غیر استاندارد		T	Sig.
		ضرایب استاندارد	خطای استاندارد		
-	عدد ثابت	۲۳/۸۳۲	۱/۷۰۸	۱۳/۹۴۹	۰/۰۰۱
۱	اخلاق	-۰/۲۰۰	۰/۰۲۵	-۷/۹۹۵	۰/۰۰۱
۲	عقاید و مناسک	-۰/۲۸	۰/۰۰۷	-۳/۴۶۱	۰/۰۰۱

طبق جدول فوق، جهت‌گیری مذهبی به‌طور کاملاً معنی‌دار در تعیین هویت فردی نقش دارد ($p < ۰/۰۰۰۵$). به‌گونه‌ای که، هم زیرمقیاس اخلاق و هم زیرمقیاس عقاید و مناسک پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌داری در تعیین هویت فردی هستند. به‌منظور بررسی تفاوت بین میانگین نمرات دختران و پسران شرکت‌کننده در پژوهش، از آزمون آماری t مستقل استفاده شد.

جدول ۶: آزمون آماری t، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای مورد مطالعه بر حسب جنسیت

متغیر	پسر (n=133)		دختر (n=248)		Sig.
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
جهت‌گیری مذهبی	۲۰۳/۹۸	۳۳/۰۲۳	۲۱۹/۶۸	۲۶/۳۶	۰/۰۰۰
اخلاق	۷۰/۸۷	۷/۷۴	۷۳/۳۵	۷/۰۷	۰/۰۰۲
عقاید و مناسک	۱۳۳/۱۰۵	۲۹/۶۴۷	۱۴۶/۳۳۰	۲۲/۸۲۲	۰/۰۰۰
هویت فردی	۶/۰۶۰	۴/۰۱۸	۵/۰۶۴	۳/۶۶۱	۰/۰۱۵

به دلیل عدم تشابه واریانس گروه دختران و پسران در مقیاس جهت‌گیری مذهبی و زیرمقیاس عقاید و مناسک، از آزمون آماری t، که برنامه SPSS در شرایط نابرابری واریانس‌ها به کار می‌برد، استفاده شد. در

مقیاس جهت‌گیری مذهبی، تفاوت معناداری بین دو گروه وجود دارد ($t=4/73$, $p < 0/0005$) آزمون دو دامنه). به‌گونه‌ای که دختران ($m = 219/6$) نمرات بالاتری را نسبت به پسران ($m = 203/9$) در مقیاس جهت‌گیری مذهبی داشته‌اند.

مقیاس هویت فردی بین دو گروه معنادار بود (آزمون دو دامنه، $t = 2/44$, $p = 0/01$). با توجه به اینکه نمرات بالاتر در هویت فردی، نشان‌دهنده ناپایداری بیشتر هویت است؛ دختران ($m = 5/06$) نسبت به پسران ($m = 6/06$) هویت شکل‌یافته‌تری دارند.

برای بررسی تفاوت میان میانگین‌های گروه‌های تحصیلی شرکت‌کننده در پژوهش، تحلیل واریانس یک طرفه برای هر متغیر به کار گرفته شد. در جدول ۶ میانگین و انحراف استاندارد متغیرها بر حسب رشته تحصیلی نشان داده شده است.

جدول ۷. تحلیل واریانس، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش به تفکیک رشته تحصیلی

Sig	F	هنر (n=101)		فنی - مهندسی (n=83)		علوم انسانی (n=115)		علوم پایه (n=82)		رشته تحصیلی متغیر
		\bar{x}	s^2	\bar{x}	s^2	\bar{x}	s^2	\bar{x}	s^2	
۰/۰۰۰	۱۲/۵۶	۲۸/۴	۱۹۹/۹	۲۸/۶	۲۱۴/۶	۲۸/۷	۲۲۱/۴	۲۷/۹	۲۲۱/۲	جهت‌گیری مذهبی
۰/۰۰۲	۳/۲	۷/۲	۷۰/۸	۶/۹	۷۱/۹	۷/۱	۷۳/۴	۸/۰	۷۳/۷	اخلاق
۰/۰۰۰۱	۱۲/۵۱	۲۵/۰	۱۲۹/۰	۳۶/۱	۱۴۲/۶	۲۴/۹	۱۴۸/۰	۳۳/۹	۱۴۷/۵	عقاید و مناسک
۰/۰۶۵	۰/۵۴	۳/۲	۵/۴	۳/۹	۴/۹	۴/۲	۵/۶	۳/۶	۵/۴۱	هویت فردی

بنابر نتایج جدول ۷، بین رشته‌های تحصیلی تفاوت معناداری در هویت فردی وجود نداشت. درحالی‌که، در مقیاس جهت‌گیری مذهبی و خرده‌مقیاس‌های آن بین رشته‌های تحصیلی تفاوت معناداری نشان داده شد ($F(۳,۳۷۷) = ۱۲/۵۶$, $p < ۰/۰۰۵$).

برای بررسی گروهی که این تفاوت معنادار را ایجاد نموده است از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد.

جدول ۸. آزمون شفه مربوط به معناداری تفاوت میان گروه تحصیلی هنر با دیگر گروه‌ها در مقیاس جهت‌گیری مذهبی

متغیر	رشته تحصیلی (i)	رشته تحصیلی (j)	تفاوت میانگین (i-j)	Sig.
جهت‌گیری مذهبی	هنر	علوم پایه	-۲۱/۳۱۵۵	۰/۰۰۰
		علوم انسانی	-۲۱/۴۸۵۴	۰/۰۰۰
		فنی - مهندسی	-۱۴/۶۶۱۸	۰/۰۰۸

نتایج نشان داد که رشته تحصیلی هنر در سطح $p < ۰/۰۰۵$ موجب ایجاد تفاوت معنادار بین رشته‌های در مقیاس جهت‌گیری مذهبی شده است؛ بدین معنا که گروه هنر نسبت به سایر گروه‌های تحصیلی، در جهت‌گیری مذهبی نمرات پایین‌تری را کسب نموده است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش نیز همسو با بسیاری از مطالعات دیگر در حیطه مذهب و هویت است. به‌طوری‌که،

پژوهش‌های بسیاری رابطه میان تعهد مذهبی و هویت فردی را نشان داده‌اند (نظیر: Shenkel & Marcia, 1972, p. 472-482; Clair & Day, 1979, p. 317-326; Archer, 1982, p. 223-225; Greenfield, 1998, p. 30-39; Mckinney & Mckinney, 1999, p. 279-290; King, 2003, p. 197-204) همچنین، وجود رابطه مثبت میان بلوغ مذهبی و هویت فردی (Boerio, 1997, p. 71-82)، میان انگیزش مذهبی و هویت فردی (Junkin, 2001, p. 8-15) و بین جهت‌گیری درونی مذهبی و احراز هویت (Fulden, 1997, p. 129-140) گزارش شده است. همچنین رابطه معکوس میان جهت‌گیری مذهبی و بحران هویت فردی (دهشیری، ۱۳۸۵؛ نجفی و همکاران، ۱۳۸۵؛ رجایی، ۱۳۸۷) نشان داده شده است. کینگ و شانگ (۲۰۰۰) نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که انجام مراسم مذهبی و رفتن به کلیسا، با هویت رابطه‌ای مستقیم دارد و افراد با جهت‌گیری مذهبی، از سلامت روان و ثبات هیجانی بیشتر و هویت پایدارتری برخوردارند.

علی‌رغم وجود یافته‌های بسیار در تأیید رابطه مثبت و معنادار میان جهت‌گیری مذهبی و احراز هویت پایدار، برخی مطالعات نشان داده‌اند که هیچ رابطه‌ای میان تعهد مذهبی و هویت فردی وجود ندارد (hood, Riahiinejad & White, 1986, p. 107-113; Foster & Laforce, 1999, p. 52-68). این یافته‌های متناقض، ممکن است به دلیل ابزار متفاوت اندازه‌گیری هویت باشد. همچنین، این نتایج می‌تواند ناشی از نوع رویکرد مذهبی افراد باشد. چنانچه، آلپورت معتقد است تنها زمانی مذهب می‌تواند به ارتقای سلامت روان کمک کند که «درونی» شده باشد؛ بدین معنی که اعتقاد به مسائل معنوی و باورهای دینی، در عمق جان انسان نفوذ کرده باشد، نه اینکه برای کسب موقعیت بیرونی یا برای رفع نیازها و دستیابی به اهداف مادی متوسل به مذهب شود. در تأیید این دیدگاه، واتسون و دیگران (۱۹۹۸) نشان دادند که هویت متعهدانه همبستگی مثبت با جهت‌گیری مذهبی درونی دارد و همبستگی معکوس با جست‌وجوگری و جهت‌گیری بیرونی مذهبی دارد. رابطه مثبت جهت‌گیری درونی مذهبی با احراز هویت در مطالعه پدرسون (۱۹۹۹) و مک‌لین و دیگران (۲۰۰۴) نیز نشان داده شده است. همچنین، مارک استرم و دیگران (۱۹۹۴) دریافته‌اند که توجهات مذهبی، با وضعیت‌های تعهدی هویت دست‌یافته و پیش‌س مرتب است. درحالی‌که، فقدان هویتی با درجات فراوانی کمتری از توجهات مذهبی در ارتباط بود.

گریفیث و گریجس (۲۰۰۱) معتقدند که معنویت و مذهب به‌طور نزدیکی با هویت پیوند یافته‌اند. این یک واقعیت است؛ زیرا ساختار هویتی چیزی است که از طریق آن، فرد مذهب و دیگر ایدئولوژی‌ها را می‌پذیرد (Watson & Morris, 2005, p. 374). به‌عبارت دیگر، هویت فردی نیازمند

آرمان‌های فلسفی و مذهبی است. به اعتقاد کینک (۲۰۰۳)، دین جایگاه متمایزی را برای کشف هویت و تعهد از طریق ارائه مفاهیم ایدئولوژی، اجتماعی و معنوی فراهم می‌کند.

بنابراین، جهت‌گیری مذهبی می‌تواند نقش برجسته‌ای در دستیابی به هویتی منسجم و پایدار ایفا نماید. جهت‌گیری مذهبی فرد را در موقعیت‌هایی معنادار قرار می‌دهد و در مواضع مبهم، نیاز انسان را به دانستن فراهم می‌نماید.

نتایج جدول سه حاکی از این است که جهت‌گیری مذهبی، ۲۳/۹ درصد از واریانس هویت فردی را تبیین می‌کند. به‌گونه‌ای که هم زیرمقیاس اخلاق و هم زیرمقیاس عقاید و مناسک پیش‌بینی‌کننده‌های معنی‌داری در تعیین هویت فردی به‌شمار می‌آید. بنابراین، بر طبق این یافته‌ها، می‌توان بیان نمود که نگرش مذهبی فرد به‌گونه‌ای معنی‌دار در تعیین هویت او نقش دارد. به‌گونه‌ای که ارزش‌های اخلاقی مذهبی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده مناسبی در شکل‌گیری هویت پایدار باشد.

چنانچه در پژوهش نجفی و همکاران (۱۳۸۵)، متغیر دینداری ۱۱/۷ درصد از واریانس بحران هویت را پیش‌بینی می‌کند. آنها بیان می‌کنند که مذهب عامل بسیار مهمی است که می‌تواند پاسخگویی بسیاری از سؤالات نوجوانان باشد تا آنها به‌آسانی بتوانند خود را دریابند و هویت پایدار و منسجمی را برای خود بنا کنند. همچنین در مطالعه دهشیری (۱۳۸۵) دینداری، ۳۲ درصد از واریانس هویت را پیش‌بینی می‌کند. در پژوهش رجایی و همکاران (۱۳۸۷) نیز نشان داده شد که باورهای مذهبی اساسی ۹/۵ درصد از تغییرات بحران هویت را تبیین می‌کند.

در این پژوهش، تفاوت معناداری در هویت فردی افراد شرکت‌کننده در رشته‌های تحصیلی مختلف وجود نداشت. درحالی‌که، جهت‌گیری مذهبی در بین رشته‌های تحصیلی تفاوت معناداری را نشان داد. آزمون تعقیبی شفه مشخص نمود که رشته تحصیلی هنر در سطح $p < 0/005$ موجب ایجاد این تفاوت معنادار بین رشته‌ای شده است. بدین معنا که گروه هنر نسبت به سایر گروه‌های تحصیلی، در جهت‌گیری مذهبی نمرات پایین‌تری را کسب نموده است. در پژوهش بهرامی و تاشک (۱۳۸۳) هم این نتیجه مشاهده می‌شود. آنان میان جهت‌گیری مذهبی دانشجویان دانشکده هنر و الهیات تفاوت معناداری در سطح ۰/۰۵ گزارش نمودند، به‌گونه‌ای که جهت‌گیری مذهبی دانشجویان دانشکده الهیات بیشتر بود.

تفاوت میان جهت‌گیری مذهبی دانشجویان هنر با سایر دانشجویان رشته‌های تحصیلی دیگر می‌تواند ناشی از گرایش‌های خاص ابتدایی آنان در انتخاب رشته تحصیلی هنر باشد و یا اینکه ناشی از نگاه متفاوت آنان به مذهب بالاخص افعال مذهبی باشد؛ زیرا همان‌گونه که در جدول ۷ نیز نمایان است، خرده‌مقیاس عقاید و مناسک جهت‌گیری مذهبی، تفاوت معنادارتری را در سطح $p < 0/005$ ایجاد نموده است.

همان‌گونه که در این پژوهش مشاهده شد، اخلاق سهم بیشتری را در پیش‌بینی هویت به عهده دارد. می‌توان گفت: ارزش‌های مذهبی، در شکل‌گیری ساختار منسجمی از هویت نقش بسزایی دارند. مشارکت جوانان در تهیه برنامه‌های مذهبی سبب شکل‌گیری هویت مثبت، یادگیری الگوها، کسب مهارت‌های تحصیلی و شغلی، کاهش استرس و برقراری ارتباطات مثبت و پایدار می‌گردد (ناعمی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵).

بنابراین، مذهب با ارائه تعریف روشنی از هدف زندگی، ایجاد معنا برای تمامی فعالیت‌ها و تجربه‌های روزانه، چگونگی کاربرد راهبردهای مقابله‌ای و سرانجام، با ارائه الگوهای مناسب برای همانندسازی بر ساختار هویت فردی اثر می‌گذارد. در جست‌وجوی یافتن هویت فردی؛ اخلاقیات، ارزش‌ها و عقاید مذهبی جلوه‌گر می‌شوند. عقاید مذهبی درک تازه‌ای از معنا و هدف را به‌وجود می‌آورد و شناخت‌های جدیدی را از خود و جهان هستی ارائه می‌دهد و اخلاق به ارتباط سازنده فرد در ارتباط با خود، دیگران و جهان هستی کمک می‌کند. همان‌گونه که ویستر (۲۰۰۵) بیان می‌کند بسیاری از دریافت‌های فردی از هویت شخصی، به واسطه ارزش‌های فرد و استدلال‌های او برای داشتن این ارزش‌ها ایجاد می‌شوند.

اریکسون نقش مذهب را در شکل‌گیری هویت مهم و اصیل می‌داند. حتی وجودی مستقل به‌عنوان هویت دینی برای آن در نظر می‌گیرد. مذهب از طریق نهادهای دینی یا خانواده، می‌تواند به نوجوانان در به‌دست آوردن هویت فردی و جمعی یاری رساند و پاسخ‌گویی پرسش‌های اساسی آنان باشد (نجفی و همکاران، ۱۳۸۵). لوین معتقد است سازش‌یافتگی انسان با مسایل زندگی، مستلزم پاسخ به خواسته‌های مهمی است که انسان در پی پاسخ‌گویی به آنهاست (جان بزرگی، ۱۳۸۶). مذهب بستر مناسبی برای پاسخ به خواسته‌ها و مواضع مبهم فراهم می‌کند. از جمله این خواسته‌ها و نیازها، می‌توان به مشکل انسان در رابطه با زمان و جاودانگی، اجتماعی‌شدن و اجتماعی ماندن، الگوی دل‌بستگی و جدایی، تشویق و تنبیه (مجازات)، معنادگی به فعالیت‌ها، عقل، جایگاه فرد در جهان، غلبه و معنادگی به رنج‌ها و تعارض‌های اساسی زندگی اشاره کرد. به‌عبارت دیگر، دستیابی به فلسفه زندگی و ایجاد چارچوبی از تعهدات مذهبی، موجب می‌شود جنبه‌های مختلف هویت فرد یکپارچه و منسجم گردد. بنابراین، وجود گرایش‌های مذهبی می‌تواند در رسیدن به هویتی مثبت و موثق بسیار کمک‌کننده باشد.

سرانجام، سهم عمده مذهب در شکل‌گیری هویت فردی در این پژوهش، نیاز به برنامه‌ریزی‌های مناسب فرهنگی جهت تربیت رفتارهای اخلاقی و پررنگ نمودن نقش مذهب در زندگی در سطح دانشگاه‌ها را مطرح می‌سازد. با توجه به اینکه در این پژوهش، بعد اخلاقی مذهب نقش مهم‌تری را در ساختار هویتی فرد نشان داد، به نظر می‌رسد تکیه بیشتر بر ارزش‌های اخلاقی نسبت به بعد مناسک مذهبی، می‌تواند در پرورش جوانان و دستیابی آنها به هویت پایدار و مثبت بسیار مدد رسان باشد.

- identity development in late adolescence, *Dissertation-Abstracts-International*, v 62, p. 8-15.
- Markstrom-Adams, C., & et al, (1994), The ego-virtue of fidelity: A case for the study of religion and identity formation in adolescence, *Journal of Youth and Adolescence*, v 23, p. 453-469.
- McKinney, J. P, McKinney, K. G.(1999), Prayer in the lives of late adolescents, *Journal of Adolescence*, v 22, p.279-290.
- Markstrom, C. A, (1999), Religious involvement and adolescent, psychosocial development, *Journal of Adolescence*, v 22, p. 205-221.
- Maclean. A. M, & et al, (2004), Transcendence and the Moral Self: Identity Integration, Religion, and Moral Life, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v 46, p. 429-437.
- Pederson, M, (2000), The relation of spiritual self- identity to religious orientation and attitudes, *Journal of Psychology & Technology*, v 128, p. 138-152.
- Rajaei, A. R, (2008), Religious Cognitive-Emotional Therapy (RCET). The 5th congress for psychotherapy, Beijing, China, 12-15 October.
- Schenkel, S., and Marcia, J. E, (1972), Attitudes toward premarital intercourse in determining ego identity status in college women, *Journal of Personality*, v 3, p. 472-482.
- Watson, P. J., & et al, (1989), "Interactional Factor Correlations with Means and Ends Religiousness", *Journal for the Scientific Study of Religion*, v 28, p. 337-347.
- Watson, P. J., & et al, (1998), "Religious Orientation, Identity, and the Quest for Meaning in Ethics Within an Ideological Surround", *International Journal for the Psychology of Religion*, v 8, p. 149-164.
- Watson, P. J., & Ronald J. Morris, (2005), Spiritual Experience and Identity: Relationships with Religious Orientation, Religious Interest, and Intolerance of Amiguity, *review of Religious Research*, v 46, P. 371-379.
- Webster. R. Scott, (2005), Personal identity: moving beyond Essence, *International Journal of Children's spirituality*, v 10, p. 5-16.

- احمدی، احمد (۱۳۷۵)، *روان‌شناسی نوجوانان و جوانان*، تهران، ترمه.
- آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۵)، *مقیاس سنجش دینداری (تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام)*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بهرامی‌احسان، هادی و آناهیتا تاشک، «ابعاد رابطه میان جهت‌گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت‌گیری مذهبی» (۱۳۸۳)، *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ش ۲، ص ۴۱-۶۳.
- جان‌بزرگی، مسعود، «جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان» (زمستان ۱۳۸۶)، *مجله پژوهشی دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی*، دوره ۳۱، ش ۴، ص ۳۴۵-۳۵۰.
- دهشیری، غلامرضا، «بررسی رابطه دینداری و بحران هویت در بین دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان یزد» (۱۳۸۴)، *تعلیم و تربیت*، ش ۱۹، ص ۲۶-۳۵.
- ناعمی، علی محمد (۱۳۸۷)، *روان‌شناسی نوجوانی و جوانی*، سبزوار، بیهق.
- نجفی، محمود و همکاران، «بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت» (۱۳۸۵)، *ماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد*، ش ۱۶، ص ۱۷-۲۶.
- Arnett, J. J, (2000), Emerging adulthood: A theory of development from the late teens through the twenties. *American Psychologist*, v 55, p. 469-480.
- Archer, S. L, (1982), The lower age boundaries of identity development perspective. *Journal of Early Adolescence*, v 7, p. 223-225.
- Boerio, R. P, (1997), The relationship of self-esteem and identity to Christian religious maturity: A study of students at a small, private, liberal arts university. *Dissertation-Abstracts-International*, v 57, p. 71-82.
- Clair, S., & Day, H. D, (1979), Ego identity status and values among high school females. *Journal of Youth and Adolescence*, v 8, p. 317-326.
- Foster, J. D. & LaForce, B. (1999), A longitudinal study of moral, religious, and identity development in a Christian liberal arts environment, *Journal of Psychology and Theology*, v 27, p. 52-68.
- Hood, A. B., & et al, (1986), Changes in ego identity during the college years. *Journal of College Student Persnnel*, v 7, p. 107-113.
- Greenfield, J. J, (1998), Spiritual well-being and identity status among Catholic college students. *Dissertation-Abstracts-International*, v 59, p. 30-39.
- Griffith, B. A., & Griggs, J. C, (2001), Religious identity status as a model to understand, assess, and interact with client spirituality. *Counseling & Values*, v 46, p. 14-25.
- King, P. E, (2003), Religion and Identity: The Role of Ideological, Social, and Spiritual Contexts, *Applied Developmental Science*, v 7, p. 197-204.
- Kang, J, & Shang, H, (2000), Identily formation status, spiritual well-being and family functioning among college student in Korea, Downloaded from IEEE Xplore.
- Luyckx. K, & et al, (2007), Parental Psychological Control and Dimensions of Identity Formation in Emerging Adulthood, *Journal of Family Psychology*, (in press).
- Junkin, M.F, (2001), Relationship of religious involvement, commitment and motivation to